

جنگ نرم صلاح‌الدین ایوبی در مواجهه با فاطمیان با بهره‌گیری از مدارس

علیرضا روحی*

دانشیار گروه تاریخ، فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

سپیده سیدی نوقابی

دانش‌آموخته دکتری تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

(از ص ۲۱ تا ۳۷)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۸/۲۵؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۶/۰۶/۲۰

چکیده

صلاح‌الدین ایوبی به‌عنوان تأثیرگذارترین شخصیت دولت ایوبی، علاوه بر مبارزه سیاسی، با نوع خاصی از مبارزه فرهنگی به مقابله با فاطمیان برخاست. او که خود را مدافع اهل سنت می‌دانست، در جهت حمایت از اهل سنت و برخورد با اسماعیلیان بسیار تلاش کرد. از تأثیرگذارترین و کارآمدترین روش‌هایی که می‌توانست بدون درگیری شدید نظامی و بدون ایجاد حساسیت در بین اسماعیلیان او را به اهداف خود برساند، استفاده از مدارس متعدد نوین و ویژه‌ی اهل سنت بود. مدارس که قالب‌بندی حکومتی با ضوابط مشخص فقهی و آموزشی را دارا بود. تجربه‌های سلجوقیان و زنگیان در این راه مورد استفاده قرار گرفت. مسئله اصلی مقاله‌ی پیش‌رو، بررسی روش‌های مختلف مبارزه فرهنگی صلاح‌الدین با اندیشه‌های اسماعیلیان و تعالیم فاطمیان؛ و نیز کارکردها، ویژگی‌ها و تاریخچه مدارس اهل سنت در دوره صلاح‌الدین است.

واژه‌های کلیدی: ایوبیان، صلاح‌الدین ایوبی، مصر، مدارس، مذهب شافعی

* رایانامه‌ی نویسنده‌ی مسئول: dr.rohy@gmail.com

۱. مقدمه

تغییر مواضع قدرت، قبل از تغییر سیاسی و نظامی نیازمند تغییر فرهنگی است. این تغییر فرهنگی در عصر فاطمیان در مصر به‌وسیله صلاح‌الدین ایوبی به‌صورت گسترده‌ای انجام شد. صلاح‌الدین یکی از اسطوره‌های نظامی بود که صلیبیان را از بیت‌المقدس اخراج نمود. وی همچنین به‌سبب از میان برداشتن خلافت فاطمیان موردستایش گسترده منابع عصر ایوبی قرار گرفت. به‌ویژه اینکه صلاح‌الدین ایوبی مبارزه‌ی سیاسی با بقایای فاطمیان و اندیشه‌های اسماعیلی و نیز جایگزین نمودن تسنن به‌جای تعالیم اسماعیلی را از اهداف اصلی خود می‌دانست. در تمامی منابع دودمانی عصر ایوبی، صلاح‌الدین را به ایمان و زهد و عبادت ستوده‌اند. اقدامات او موردتوجه مورخین قرار گرفته و باعث شد تا به پرهیزگاری و تقوا مشهور شود. همچنین او را پیرو خلفای راشدین دانسته‌اند که نسبت به تعظیم شعائر دینی توجه تمام داشت (ابن شداد، ۱۴۱۵: ۳۳). صلاح‌الدین سه آرزو در سر می‌پروراند: نخست برچیدن خلافت فاطمیان و به دنبال آن خواندن خطبه به نام خلیفه عباسی، المستضی بالله؛ دوم اتحاد و یکپارچگی مصر و شام؛ و سومین آرزوی او بازپس‌گیری بیت‌المقدس از صلیبیان بود. او به هر سه آرزوی خود جامه عمل پوشاند.

وی مبارزه با اندیشه‌ها و تعالیم اسماعیلی را از آل‌زنگی فراگرفته بود و از تجربه‌های نورالدین زنگی و سلجوقیان در این امر استفاده می‌کرد. چنان‌که نورالدین در حلب که گرایش‌های شیعی در آنجا غلبه داشت، «حی علی خیر العمل» را از اذان حذف نمود و دستور داد هرکس اطاعت نکند از بالای مناره به زیر افکنده شود (ابن عدیم، ۱۴۱۷: ۳۳۱؛ ابوشامه، ۱۴۲۲: ۲۱۳/۱). صلاح‌الدین از شیوه‌هایی مختلف برای برخورد سیاسی و اعتقادی با فاطمیان و اندیشه‌های اسماعیلی بهره گرفت. او پس از آنکه به وزارت فاطمیان رسید، با تکیه بر اتحاد سنیان بر محور خلافت عباسی، راه سلجوقیان و زنگیان را در جهت تقویت مذهب تسنن، با قوت هرچه تمام‌تر پیمود؛ و با این کار مانع گسترش اندیشه‌های تشیع فاطمی شد. پس از او سایر امرای ایوبی نیز همین سیاست را در پیش گرفتند. از مهم‌ترین شیوه‌های او در این خصوص می‌توان، ساخت مدارس ویژه‌ی اهل سنت، به‌کارگیری قاضیان سنی، حربه به روش اهل سنت، حمایت از تصوف، به‌وجود آوردن اوقاف متعدد برای مراکز علمی اهل سنت و حاکم نمودن تسنن در همه ارکان جامعه را نام برد. در این مقاله تنها موارد فرهنگی و به‌ویژه مدرسه‌سازی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین پرسش‌هایی که در این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به آن هستیم به این شرح است: روش‌های کاربردی صلاح‌الدین ایوبی در مبارزه با اندیشه‌های فاطمی و تعالیم اسماعیلی چه بوده و آیا این شیوه‌ها موفقیتی را کسب کرده است یا خیر؟ ساخت مدارس اهل سنت در مصر از چه زمانی شروع شد؟ مهم‌ترین مدارس اهل سنت کدام‌اند و چه ویژگی‌هایی دارند و نقش آن‌ها در جهت گسترش اندیشه تسنن تا چه اندازه بود؟

۲. تقابل صلاح‌الدین با اندیشه‌های فاطمیان و اسماعیلیان

صلاح‌الدین به روش‌های گوناگونی به مبارزه با اسماعیلیان و اندیشه‌های فاطمی پرداخت. او در جهت مبارزه فرهنگی که محور اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، با درپیش گرفتن سیاست‌های خاصی سبب ناتوان شدن اسماعیلیان در مصر شد؛ و به محض اینکه به قدرت رسید، دستور داد تا حلقه‌ها و کرسی‌های فقهی تسنن را در اماکن آموزشی و مذهبی شیعه از جمله در محل تدفین سر امام حسین^(ع) که مشهور به مشهد حسینی بود، پایه‌گذاری و مسئولیت آن را به فقیه بهاء دمشق واگذار نمایند و او در آنجا به تدریس نشست (مقریزی، ۱۴۱۸: الف، ۳۲۳).

صلاح‌الدین برای تضعیف فاطمیان، شعائر اسماعیلی و شیعی را مورد حمله قرار داده و اذان شیعه را ممنوع کرد و دستور داد دروس شیعه را در الازهر تعطیل و الازهر را به مرکزی برای تدریس عقاید اهل سنت تبدیل کنند. او حتی برای تضعیف فاطمیان از فقیه شافعی، صدرالدین عبدالملک درباس برای قضاوت استفاده نمود. قاضی صدرالدین دستور داد تا خطبه نماز جمعه که تا این زمان در دو مکان، جامع الازهر و جامع حاکمی خوانده می‌شد، فقط در حاکمی خوانده شود و خطبه الازهر تعطیل شود (مقریزی، ۱۴۱۸: الف، ۵۵/۴). صلاح‌الدین، همچنین به حذف و تغییر کارکنان عالی‌رتبه شیعه اقدام نمود، چنان‌که در سال ۵۶۶ هجری پیش از انقراض فاطمیان، قاضیان شیعه را عزل و به جای آن‌ها از قاضیان شافعی استفاده کرد؛ به تدریج مذهب شافعی و مالکی در بین مردم مصر مشهور شده و مردم به این دو مذهب تظاهر نمودند، اسماعیلیان مخفی شده و دعوت اهل سنت در جامع الازهر و غیر آن رونق گرفت (مقریزی، ۱۳۸۷: ۳۱۹/۳؛ نویری، ۱۴۲۳: ۳۶۴/۲۸).

اقدام دیگر صلاح‌الدین برای تضعیف اسماعیلیان، تقویت و جذب صوفیه بود، چنان‌که خانقاه سعیدالسعداء را به عنوان نخستین خانقاه در مصر پایه‌گذاری کرد (ابن ایاس، ۱۳۹۵: ۱، قسم، ۲۴۳/۱). او یکی از شیوخ صوفیه را به عنوان سرپرست آن‌ها مشخص

نمود تا امور ایشان را تدبیر نماید و هزینه زیادی را برای آن‌ها صرف می‌کرد. مقریزی اشاره می‌کند که صوفیه معروف به علم و صلاح بودند و تعداد آن‌ها به ۳۰۰ نفر می‌رسید. سلطان در هر روز برای آن‌ها نان و گوشت و ۴۰ درهم هزینه لباس مشخص نموده و در کنار خانقاه آن‌ها، حمامی برایشان ساخت و هرکدام که قصد سفر داشتند هزینه معینی را برای رسیدن به مقصدشان می‌داد (مقریزی، ۱۴۱۸: الف، ۲۸۲/۴). سیوطی اسامی شیوخ و برخی از مشخصات این خانقاه را نقل نموده است (سیوطی، ۱۳۸۷: ۲۶۰/۲). هدف صلاح‌الدین در توجه به صوفیه، عطف توجه مردم مصر از اسماعیلیان به صوفیان بود، زیرا صوفیه با نفوذی که میان مردم داشتند، شعائر شیعی را کمرنگ نموده و به تدریج توجه به اهل سنت و صوفیه را جانشین مراسم شیعه می‌کردند. مقریزی در همین خصوص می‌نویسد: «مردم مصر به قاهره سفر می‌کردند تا صوفیه‌ی خانقاه سعیدالسعداء را ببینند؛ درحالی‌که آن‌ها به جامع الحاکم برای ادای نماز جمعه می‌رفتند و از مشاهده صوفیان برکت و خیر طلب می‌کردند» (مقریزی، ۱۴۱۸: الف، ۲۸۳/۴-۲۸۲). صلاح‌الدین برای این خانقاه موقوفاتی را مشخص کرد که از جمله‌ی آن‌ها منطقه‌ی قیساریه الشرب بود (ابن عبدالظاهر، ۱۴۱۷: ۵۵).

۳. پیشینه‌ی مدارس اهل سنت در مصر

نهضت ساخت مدارس برای گسترش مذهب تسنن در شرق جهان اسلام، در دوره سلجوقیان و با تأسیس مدارس نظامیه به اوج خود رسید. پایه‌گذاری و گسترش مدارس در مصر به‌وسیله اهل سنت و از اواخر دوره فاطمی آغاز شد. این مدارس در اسکندریه - که مرکز اصلی تسنن به‌شمار می‌آمد - تأسیس شدند؛ و پس از به‌قدرت‌رسیدن صلاح‌الدین در مناطق مختلف مصر گسترش یافت. ضعف فاطمیان و درگیری‌های داخلی بین حاکمان و رقابت بین وزیران فاطمی و نیز قدرت‌یافتن برخی از وزیران سنی در حکومت فاطمیان باعث شد تا شماری از بزرگان و یا وزیران اهل سنت، همانند سیف‌الدین ابن سلار و رضوان و لّخشی از این شرایط استفاده کرده و نخستین مدارس را بر پایه‌ی مذاهب اهل سنت بنا کنند. در اواخر حکومت فاطمیان که ضعف بر آنان غلبه کرده بود، سه مدرسه مهم اهل سنت در مصر پایه‌گذاری شد؛ نخست، مدرسه /بوبکر طرطوشی که ابوبکر محمد بن ولید مالکی معروف به ابن ابی رنده یا ابن ابی رندقه (۴۵۰-۵۲۰ هجری)، از علمای طرطوشه^۱ پایه‌گذار آن بود (رک: قاضی عیاض، ۱۴۰۲: ۶۳-۶۲؛ ابن‌خلکان، ۱۹۹۴: ۲۶۳/۴-۲۶۲؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۳۵۳/۱۴؛ ابن‌بشکوال، ۱۳۷۴: ۵۴۵/۱). طرطوشی

مالکی مذهب بود و در ساخت مدرسه‌اش از مدارس نظامیه الگو گرفت. شهرت او در اسکندریه باعث شد که دانشجویان و مریدانش از او بخواهند تا تجربه‌اش را از مدارس نظامیه در مصر پیاده کند. این مدرسه در دوره فاطمیان، شهرت و آوازه‌ای فراگیر داشته و بسیاری از دانشمندان از خارج از مصر برای بهره‌مندی علمی به آن سفر می‌کردند (الضبی، ۱۹۶۷: ۱۳۷-۱۳۶).

دو دیگر مدرسه، *رضوان و لُخشی* معروف به حافظیه یا عوفیه است. رضوان وزیر الحافظ لدین الله خلیفه فاطمی بود و این مدرسه را در سال ۵۳۲ هـ در اسکندریه و برای تدریس فقه مالکی پایه‌گذاری و از فقیه ابوطاهر بن عوف دعوت به تدریس نمود (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۶۷/۳؛ نویری، ۱۴۲۳: ۳۰۴/۲۸).

آخرین مدرسه اهل سنت در دوره فاطمیان، مدرسه سلفیه است. این مدرسه به‌وسیله عادل بن سَلَّار (مقتول به سال ۵۴۸ هـ) وزیر الظاهر بنا شد، او چندین سال فرمانروایی اسکندریه را داشت و بنابر نظر ابن خلکان در ۵۴۶ هـ مدرسه‌ای را در این شهر پایه‌گذاری نمود (ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۴۱۷/۳)؛ اما با توجه به این که ابن سَلَّار پیش از این تاریخ به قاهره مهاجرت کرده است، ساخت مدرسه باید پیش از این زمان باشد (غنیمه، ۱۳۷۲: ۱۲۸). ابن سَلَّار شافعی مذهب بود و این مدرسه را برای فقیه شافعی، حافظ ابوطاهر احمد بن محمد سلفی -که از بزرگان فقهای شافعی بود- بنا کرد و از او دعوت به تدریس نمود، از این رو این مدرسه به نام او نیز شناخته می‌شود (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۲۹۲/۱؛ مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۹۸/۳).

۴. ویژگی‌های مدارس مصر در عصر ایوبی

رویکرد ایوبیان در ساخت مدارس، ادامه روش زنگیان است، چنان‌که ابوشامه اشاره نموده که «نورالدین زنگی گروهی از علما را گرد آورده و به آن‌ها تأکید نمود که با تأسیس مدارس، به نشر علم و از میان برداشتن بدعت‌ها بپردازیم» (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۶۱/۱). از محاسن امیران ایوبی، تأسیس مدارس بود که در طی دوره حکومتشان بنا کرده بودند و چون فوت می‌کردند از این مدارس به‌عنوان باقیات‌الصالحات آن امیر یاد می‌شد (ابن‌یاس، ۱۳۹۵: ۱، قسم ۲۴۲/۱). حتی در شهری چون حلب که گرایش تشیع در آن بیشتر بود، مدارس متعددی برای اهل سنت ساخته شده و از علمای تسنن به‌ویژه شافعیان برای تدریس دعوت می‌شد، از جمله‌ی آن‌ها مدرسه حلاویین، مدرسه عسرونیه و مدرسه

نفری می‌باشد (ابن‌عدیم، ۱۴۱۷: ۳۳۲-۳۳۱؛ عمادالدین کاتب اصبهانی، ۱۹۸۷: ۱۳۵/۵؛ ابن شداد، ۱۹۵۳: ۱۱۱-۱۰۰).

صلاح‌الدین برای زدودن و نابود کردن همه آثار فکری و اندیشه‌های اسماعیلیان، از بقایای کاخ‌ها، خانه‌ها، گردشگاه‌ها و سایر اماکن که فاطمیان بنا کرده بودند، برای ساخت مدارس استفاده نمود. چنان‌که صلاح‌الدین مدرسه سیوفیه را در محل خانه وزیر مأمون بطائحه بنا نمود و یا مدرسه شریفیه را در محل زندان دارالمعونه ساخت و مدرسه صاحبیه در محل خانه یعقوب بن کلس به‌وسیله عبدالله بن علی ابن شکر بنا شد. بسیاری از بزرگان و علمای برجسته‌ی سنی‌مذهب به‌وسیله صلاح‌الدین به مصر دعوت شدند و در تدریس و یا امر قضاوت از آن‌ها بهره گرفته و به‌تدریج مصر ملجأ و مأمن امنی برای دانشمندان اهل سنت شد.

اهمیت مدرسه در نظر ایوبیان و استادان برجسته‌ی عصر ایوبی باعث شد تا تعدادی از امیران ایوبی پس از مرگ، در مدرسی که ساخته بودند دفن شوند، چنان‌که جسد ملک صالح را به قبه مدرسه صالحیه منتقل نموده و به خاک سپردند (ابن‌ایاس، ۱۳۹۵: ج ۱، قسم ۲۷۹/۱). همچنین ست‌الشام خواهر صلاح‌الدین پس از مرگش در مدرسه‌ای که در قاهره ساخته بود به خاک سپرده شد (العینی، ۱۴۳۱: ۲۲/۴). به‌تدریج نهضت ساخت مدارس، رشدی گسترده پیدا کرد چنان‌که سیوطی در شرح احوال حسین بن احمد بن بندار از فقهای حنفیه می‌نویسد: «دوازده مدرسه زیر نظرش بود و ۱۲۰۰ دانشجو در این مدارس تحصیل می‌نمودند. او از جُده^۲ به قوص^۳ آمده و در این شهر در سال ۵۹۱ هـ از دنیا رفت. جسد او را در سفح المقطم به خاک سپردند» (سیوطی، ۱۳۸۷: ۴۶۴/۴؛ القرشی، بی‌تا: ۲۰۷/۱). توجه ایوبیان به مدرسه‌سازی، پایه‌گذاری مدارس بزرگی را همچون مدرسه دارالحديث کاملیه، مدرسه ناصریه اولی و مدرسه ناصریه دوم و مدرسه مشهد حسینی باعث شد که حیات علمی آن‌ها تا قرون بعد ادامه داشت و از مهم‌ترین مدارس مصر شناخته می‌شوند.

نهضت مدرسه‌سازی در مصر در دوره صلاح‌الدین، به‌گونه‌ای سریع و پررونق بود که ابن‌خلکان و به پیروی از او ابن‌تغری بردی و سیوطی تصور کرده‌اند که در دوره فاطمیان هیچ مدرسه‌ای در مصر ساخته نشده و صلاح‌الدین را نخستین بنیان‌گذار مدارس در مصر معرفی نموده‌اند (ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۲۰۶/۷؛ ابن تغری بردی، بی‌تا: ۵۴/۶؛ سیوطی، ۱۳۸۷: ۲۵۶/۲). این نظر چنان‌که پیش از این دیدیم درست نیست.

۴، ۱. تخصیص مذهب

مدارس عصر ایوبی دارای ویژگی‌های خاصی بودند که از مهم‌ترین آن‌ها، اختصاص یافتن هر مدرسه برای یک مذهب خاص اهل سنت می‌باشد. با توجه به اینکه امرای ایوبی، به جز یک نفر که به مذهب حنفی گروید؛ بقیه همگی شافعی مذهب بودند (ابن واصل، ۱۹۷۲: ۲۱۱/۴)، از این رو بیشترین مدارس متعلق به شافعیان بود.

صلاح‌الدین باوجود اینکه خودش شافعی بود، به ساخت مدارس برای مالکیان نیز اقدام نمود و در این زمینه تعصب نداشت. صلاح‌الدین به مذهب اشعری متعصب بوده و با هر انحرافی به شدت برخورد می‌کرد، به‌ویژه پس از انقراض فاطمیان مذهب شافعی و مالکی را جانشین نموده و در این امر به ملک نورالدین محمود اقتدا کرد. ساخت مدارس و مشخص کردن اوقاف برای آن‌ها، از زمان نورالدین به‌عنوان یک سنت حسنه شناخته می‌شد (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۳۲/۱). او به ساخت مساجد و اماکن مذهبی برای اهل سنت توجه خاصی داشت و برای هریک از دو گروه شافعی و مالکی، مدرسه‌ای در مصر بنا کرد (مقریزی، ۱۴۱۸: الف ۲/۲۰). ابن جبیر که در دوره ایوبیان از مصر بازدید داشته پس از تمجید از صلاح‌الدین می‌نویسد: «از محاسن اسکندریه، وجود مدارس است و هر گروهی استادی برای آموختن دارند» (ابن جبیر، بی‌تا: ۱۵). به‌گفته قلقشندی «ایوبیان نخستین مدارس را در فسطاط بنا کردند و صلاح‌الدین دو مدرسه مالکیه و مدرسه قمحیه را در این شهر ساخت» (قلقشندی، ۱۴۰۷: ۳۹۱/۳-۳۹۰). این دو مدرسه برای علمای مذاهب چهارگانه ساخته و به‌نام صالحیتین نجمیتین معروف شده و آن دو همانند دو قلعه برای علما به‌شمار می‌آمدند (ابن‌ایاس، ۱۳۹۵: ۱، قسم ۲۷۲/۱-۲۷۳). تنها تعداد اندکی از مدارس به دو مذهب مالکی و شافعی به‌صورت هم‌زمان اختصاص یافت و برخی از مدارس برای تدریس مذاهب چهارگانه اهل سنت ساخته شد. تا آنجا که بررسی شد، هیچ مدرسه‌ای از شیعیان در دوره ایوبی وجود نداشته است. همچنین پیروان مذهب حنبلی نیز مدرسه‌ای به‌صورت مستقل نداشتند. مذهب برخی از مدارس را نمی‌توان مشخص نمود.

۴، ۲. تخصیص علم

از دیگر ویژگی‌های این مدارس، اختصاص یافتن تعدادی از آن‌ها به علم خاص و ویژه‌ای بود، چنان‌که بسیاری از این مدارس به علم فقه اختصاص یافته و در این علم سرآمد عصر خود شدند، به‌گونه‌ای که حتی دانشمندان مشرق نیز به جایگاه علمی این مدارس توجه ویژه‌ای کردند. برخی از مدارس اختصاص به علوم همچون حدیث،

قرائت، نحو و تفسیر داشتند. این ویژگی باعث شد تا دانشجویان و نظام آموزشی، متمرکز بر علم خاصی شده و به‌صورت اختصاصی در شاخه علمی خاصی تبحر یابند. اگرچه گزارش مفصلی از دروس و کتاب‌های آموزشی و درسی مدارس نیامده، با توجه به تخصص استادان و اینکه صلاح‌الدین نسبت به فلاسفه و معطله بغض و کینه شدیدی داشت (ابن شداد، ۱۴۱۵: ۳۷)، این مدارس را به شیوه اشعری متمرکز نموده و اجازه تدریس دروس معتزله را نداد و تعصب شدیدی در این خصوص داشت.

۳،۴. جایگاه وقف

سنت وقف در ساخت مدارس، از اعتبار و جایگاهی خاص برخوردار بوده و تأثیر بسیاری در وضعیت آموزشی و اداری مدارس داشت. عموم بزرگان مصر به ساخت و وقف مدرسه توجه داشتند. بیشترین وقف در این خصوص به‌وسیله صلاح‌الدین انجام شد، چنان‌که صلاح‌الدین برای مدرسه ناصریه دوم، حمای را در همسایگی مدرسه و مغازه‌هایی را پشت آن و در جزیره فیل که واقع در رود نیل خارج از قاهره بود، وقف کرد (مقریزی، ۱۴۱۸: الف ۲۵۹/۴). او برای مدرسه قمحیه، بازار وراقان و زمین زراعی در فیوم معروف به حنبوشیه و روستای حنبوشیه را وقف کرد (ابن دقماق، ۲۰۱۳: ۹۵/۱؛ مقریزی، ۱۴۱۸: الف ۲۰۱/۴). صلاح‌الدین برای مدرسه سیوفیه ۳۲ مغازه و دروازه فتح و محله برجوان را وقف نمود (مقریزی، ۱۴۱۸: الف ۲۰۴/۴). ابن جبیر موقوفاتی متعدد را در اسکندریه و قاهره دیده و گزارش‌هایی از آن‌ها نقل می‌کند (ابن جبیر، بی تا: ۲۶-۲۷).

صلاح‌الدین مقید بود که در سفر به شهرهای مهم، هدایایی را به اهل مدارس اهدا نماید، چنان‌که در سفر به دمشق و بعلبک این کار را انجام داد (مقریزی، ۱۴۱۸: ب ۴۲۸/۱ و ۲۲۳/۲). سلاطین ایوبی، وقف بر مدارس را یکی از امور واجب برای خود می‌دانستند و در مناسبت‌های مختلف موقوفاتی را به مدارس هدیه می‌دادند. چنان‌که صلاح‌الدین پس از فتح بیت‌المقدس، به میمنت این پیروزی اوقافی را برای مدارس معین نمود (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۳۳۲/۴). از گروه‌های مهمی که مدارس وقفی متعددی را بنا کردند؛ خانواده ایوبیان، وزیران، امیران، دانشمندان و سایر افراد متمکن بودند. چنان‌که ست‌الشام دختر ایوب بن شاذی و خواهر صلاح‌الدین (درگذشته به سال ۶۱۶ هجری) خانه‌اش را مدرسه و املاکی را بر آن وقف کرد (العینی، ۱۴۳۱: ۲۲/۴؛ نویری، ۱۴۲۳: ۹۶/۲۹). همچنین تقی‌الدین عمر بن شاهنشاه برای مدرسه منازل‌العز اوقافی را مشخص کرد (ابن دقماق، ۲۰۱۳: ۹۴/۱؛ قلّشندی، ۱۴۰۷: ۳۹۱/۳). یکی از بزرگ‌ترین اوقافی که به‌وجود آمد، به‌وسیله ابن ارسوفی

برای مدرسه شافعیان بود. او املاک بسیاری را که شامل مغازه‌هایی در منطقه بزارین و کوچه المسلوک و مغازه‌هایی در محلات دیگر و املاک بسیار دیگر بر مدرسه‌اش وقف نمود (ابن‌دقماق، ۲۰۱۳: ۹۸/۱). عموماً واقف مدرسه، ناظر مدرسه بوده و بسیاری از مدارس به نام واقف آن نامیده می‌شد، همانند مدرسه غزنویه، مدرسه ابن رشیق و مدرسه ناصریه اولی که مدرسه ابن زین‌التجار نامیده می‌شد. عمادالدین کاتب دستورالعملی را که برای علاء کاشانی نوشته شده بود، آورده است. از این منشور به خوبی جایگاه وقف و حوزه اهمیت فعالیت‌های متولی وقف مشخص می‌شود. در این دستورالعمل، اوقاف مدارس به علاء سپرده شده و او به عنوان متولی وقف، به استقلال عمل نموده است و از فقها به عنوان مدرس، معید و مفتی استفاده می‌کرد و هریک را مناسب جایگاهشان قرار می‌داد (عمادالدین، ۱۹۸۷: ۱۳۵/۵).

۴،۴. مناصب آموزشی

استاد بالاترین جایگاه علمی را در نظام تعلیم و تربیت داراست و به حسب آنچه از منابع برمی‌آید، عموم مدارس تنها از یک استاد متخصص و برجسته بهره می‌بردند. منصب استادی در این مدارس از جایگاه بسیار مهم و والایی برخوردار بوده و معمولاً برجسته‌ترین دانشمندان به این امر مهم برگزیده می‌شدند. مقام استادی به اندازه‌ای اهمیت داشت که برای استادان توقیع خاصی صادر می‌شد. قلقشندی چند منشور و توقیع برای تعدادی از استادان مدارس صاحبیه، مالکیه و صلاحیه نقل کرده است و در آن‌ها جایگاه و وظایف استاد مورد توجه قرار گرفته و تأکید ویژه‌ای بر اهمیت تعلیم و تربیت شده است (قلقشندی، ۱۴۰۷: ۲۳۲/۱۱-۲۲۷).

صلاح‌الدین تلاش کرد استادان و علمای اهل سنت را جذب نماید تا با استفاده از آن‌ها به احیای مذاهب اهل تسنن به ویژه شافعی و مالکی بپردازد. او علما را به خود نزدیک ساخت و اموالی بسیار را برای آنان هزینه کرد (ذهبی، ۱۴۲۷: ۳۷۲/۱۱). صلاح‌الدین نسبت به جذب استادان برجسته از مذاهب مختلف اهل سنت، اهتمام ویژه‌ای داشته و از آنان دعوت به تدریس نموده و مقرری و حقوق خاصی را برای آن‌ها در نظر گرفت. چنانکه صلاح‌الدین، شیخ مجدالدین محمد بن محمد جبتی را برای تدریس مدرسه سیوفیه معین نمود و برای او در هر ماه ۱۱ دینار مقرری در نظر گرفت و باقی درآمد وقف را در اختیار او قرارداد تا برای طلاب حنفی بر حسب جایگاهشان مصرف نماید (مقریزی، ۱۴۱۸: الف، ۲۰۴/۲). در بین مدرسین معمولاً امر تدریس از یک استاد به استاد

برجسته دیگری منتقل می‌شد و در مواردی از یک استاد به فرزندش منتقل می‌گردید، چنانکه صدرالدین حمویه و فرزندش پس از او، مدرس مدرسه ناصریه اولی و مدارس دیگری بودند (مقریزی، ۱۹۵۵: ۳۱۴/۲). اقامت یک استاد در مدرسه باعث می‌شد تا مدرسه به‌نام آن استاد ثبت شود و از مناطق مختلف برای تحصیل به نزد آن استاد می‌آمدند. در شرح احوال برخی از دانشمندان دوره ایوبی اشاره به تدریس یا تحصیل آنان در مدرسه‌ای خاص شده اما از آن مدرسه هیچ اطلاعات دیگری به‌دست نیامده است. تعدادی از استادان برجسته در مدرسه ساکن شده و همان‌جا تدریس نموده، فتوا می‌دادند و جلسات وعظ برگزار می‌کردند و پس از مرگ در همان‌جا به خاک سپرده می‌شدند، همچون استاد عبدالله بن محمد الحریری که مدرس مدرسه سیوفیه بود (القرشی، بی تا: ۵۳/۱). گزارش‌های متعدد و فراوانی از تدریس استادان در مدارس مختلف در منابع دودمانی ایوبیان و کتب تراجم ذکر شده است.

در کنار استاد منصب مهم معید قرار داشت. این منصب در مدارس مصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و وظیفه اصلی آن تکرار مطالب درسی بود که در مواردی با توضیح و تفهیم مطالب همراه بود. در برخی از مدارس اسامی تعدادی از معیدان ذکر شده است. در شرح حال برخی از آنان آمده است که معید ابتدا به تکرار درس می‌پرداخت و پس از چندی خود به‌صورت مستقل به تدریس مشغول می‌شد. در مواردی معید چند سال به‌جای استاد قرار می‌گرفت، چنانکه مدرسه صلاحیه ۳۰ سال استاد نداشت و دو معید به اعاده درس مشغول بودند (سیوطی، ۱۳۸۷: ۲۵۷/۲).

۵. مدرسی که به‌وسیله صلاح‌الدین پایه‌گذاری شد

در دوره ایوبیان بیشترین توجه به ساخت و پایه‌گذاری مدارس از طرف صلاح‌الدین صورت گرفت و پس از او عده زیادی از امیران و بزرگان حکومت ایوبی به پیروی از او به ساخت مدارس متعدد اقدام کردند. تا آنجا که بررسی شد صلاح‌الدین شش مدرسه مهم را در مصر پایه‌گذاری نمود که هرکدام از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. مدرسی که به‌وسیله صلاح‌الدین پایه‌گذاری شد به شرح زیر است:

۱،۵. مدرسه شریفیه (ناصریه اولی)، (ابن زین التجار)، (صلاحیه): صلاح‌الدین ایوبی در زمان وزارتش در دوره فاطمیان، تلاش‌هایی را در جهت احیای مذهب تسنن در مصر انجام داد. وی در سال ۵۶۶ هـ ق در زمان العاضد فاطمی دستور نابودی زندان دارالمعونه

در نزدیکی جامع عمروعاص (جامع عتیق) را صادر نمود و در همان مکان مدرسه‌ای برای فقهای شافعی بنا کرد (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۱۸۰/۲-۱۸۱؛ نویری، ۱۴۲۳: ۳۶۳/۲۸؛ ابن تغری بردی، بی‌تا: ۳۸۵/۵؛ العینی، ۱۴۳۱: ۶۳/۱). او پس از ساخت این مدرسه، منطقه الصاغه را در کنار مدرسه و نیز روستایی را در فیوم وقف آن نمود (مقریزی، ۱۴۱۸: الف ۲۰۰/۴؛ قلقشندی، ۱۴۰۷: ۳۹۱/۳). این مدرسه از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مدارس در مصر به‌شمار می‌آمد و ساخت آن ضربه‌ای بزرگ بر دولت فاطمیان بود. این مدرسه به‌نام ناصرالدین ایوبی، مدرسه ناصریه نامیده شد و برحسب نظر مقریزی، نخستین مدرسه‌ای است که در مصر بنا شد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۳۱۹/۳؛ مقریزی، ۱۴۱۸: الف ۲۰۰/۲)؛ و در زمان مقریزی و سیوطی (قرن ۹ هجری) به‌نام شریفیه معروف شد. از این مدرسه به‌نام مدرسه ابن زین‌التجار نیز یاد شده است (ابن‌خلکان، ۱۹۹۴: ۲۰۷/۷؛ ابن تغری بردی، بی‌تا: ۵۵/۶؛ نویری، ۱۴۲۳: ۳۶۳/۲۸؛ سیوطی، ۱۳۸۷: ۲، ۲۵۶).

ابن زین‌التجار، ابوالعباس احمد بن مظفر دمشقی، نخستین فردی است که در مدرسه ناصریه تدریس کرد و تا زمان مرگش در ۵۹۱ هـ در این مدرسه اقامت داشت، از این‌رو این مدرسه را به نام او خوانده‌اند (ابن‌دقماق، ۲۰۱۳: ۹۳/۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۵۷/۴۲؛ قلقشندی، ۱۴۰۷: ۳۹۱/۳؛ سیوطی، ۱۳۸۷: ۴۰۷/۱؛ مقریزی، ۱۴۱۱: ۶۶۴/۱). گزارش‌هایی از استادان این مدرسه در دست است. از مهم‌ترین مدرسین آن که به‌وسیله صلاح‌الدین مأمور به تدریس شد، ابن شداد بود (ابن واصل، ۱۹۷۲: ۱۴۲/۴). امروزه این مدرسه خراب‌شده و بقایای اندکی از آن برجای‌مانده است و نام خلیفه‌العزیز بالله بر آن ثبت شده که او نیز قریه‌ای را بر آن وقف کرده بود (غنیمه، ۱۳۷۲: ۱۳۰).

۲،۵. مدرسه ناصریه دوم (مدرسه صلاحیه)، (مدرسه خوبشانی): ملک ناصر صلاح‌الدین ایوبی در سال ۵۷۲ هـ دستور داد تا در جوار تربت امام شافعی مدرسه‌ای بنا کنند (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۴۲۷/۹؛ نویری، ۱۴۲۳: ۳۶۶/۲۸). این مدرسه از بزرگ‌ترین مدارس به‌شمار می‌آمد به‌گونه‌ای که سیوطی آن را به‌عنوان تاج‌المدارس توصیف کرده و می‌نویسد: «این مدرسه، بزرگ‌ترین مدرسه در دنیا علی‌الاطلاق است به‌جهت شرف آن در جوار امام شافعی و نیز اینکه سازنده آن بزرگ‌ترین پادشاه است و در بین ملوک اسلام پیش و پس از او همانند او نبوده است. این مدرسه را سلطان صلاح‌الدین بن ایوب در ۵۷۲ هـ بنا کرد.» (سیوطی، ۱۳۸۷: ۲۵۷/۲). ابن‌جبیر در اواخر سال ۵۷۸ هـ این مدرسه را دیده و می‌نویسد: همانند آن از نظر وسعت و رونق علمی وجود ندارد و کسی که در آن گشت‌وگذار کند

تصور می‌کند که سرزمین مستقلی است و هزینه‌اش قابل‌محاسبه نیست (ابن جبیر، بی تا: ۲۳-۲۲). به جهت مجاورت با قبر امام شافعی و مذهب استادان آن، این مدرسه اختصاص به شافعیان داشت. گزارش‌هایی از برخی از مدرسین این مدرسه ذکر شده است.

مهم‌ترین استاد این مدرسه فقیه نجم‌الدین ابوالبرکات محمد بن موفق بن سعید خوشانی شافعی صوفی است. این مدرسه به خاطر او ساخته شد و او ناظر و مدرس آن تا زمان مرگش در ۵۸۷ هـ بود (ذهبی، ۱۴۲۷: ۳۷۳/۱۱؛ سیوطی، ۱۳۸۷: ۲/۲؛ ۲۵۷؛ ۱۴۱۳: ۲۸۰/۴۱-۲۷۹). خوشانی شاگرد محمد بن یحیی فقیه مشهور شافعی خراسان بود. او در جریان حمله غزها به خراسان، بر ضد آنان سخن گفته و فتوا داد. غزها آن قدر خاک در دهانش کردند تا کشته شد. وی سال‌ها در نظامیه نیشابور تدریس نمود (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۰؛ کرمانی، ۱۳۷۳: ۲۷۹). خوشانی با واسطه استادش از مدارس نظامیه تأثیر پذیرفته بود. او پس از به وزارت رسیدن صلاح‌الدین به مصر آمده و مورد توجه سلطان قرار گرفت. صلاح‌الدین امکانات بسیار در اختیار او قرار داده و به او اشاره نمود که تو رونق و توسعه مدرسه را افزایش بده و بر ما واجب است که هزینه آن را بپردازیم. سلطان اوقافی را برای مدرسه معین نمود (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۲۹۳/۴-۲۹۴؛ ابن تغری بردی، بی تا: ۱۱۵/۶). خوشانی نزد صلاح‌الدین جایگاهی والا داشت؛ به گونه‌ای که حتی زمانی که صلاح‌الدین عزم از بین بردن فاطمیان نمود، از او فتوا خواست و او به این امر فتوا صادر کرد (ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۱۱۱/۳؛ ۱۴۲۷: ۴۵۴/۱۱؛ ۱۴۱۳: ۲۸۰/۴۱-۲۷۹). ابن جبیر، خوشانی را در مسجد قاهره ملاقات کرد در حالی که او در خانه‌های محقر در داخل مسجد ساکن بود (ابن جبیر، بی تا: ۲۲). پس از مرگ خوشانی، صدرالدین ابی الحسن محمد بن حمویه جوینی معروف به شیخ الشیوخ عهده‌دار تدریس شد. او در این زمان در شام بود و به مصر دعوت شد و از سال ۵۸۸ هـ در زمان حیات واقف به تدریس منصوب شد (سبکی، ۱۴۱۳: ۹۷/۸؛ ابوشامه، ۱۴۱۸: ۴۵۷/۴-۲۹۳). منذری و سیوطی اسامی برخی از مدرسین این مدرسه را که تا حدود نیمه قرن نهم هجری تدریس داشتند، آورده‌اند (منذری، ۱۴۰۵: ۴۴۰/۱ و ۵۹۸/۳ و ۵۰۷ و ۲۷۱؛ سیوطی، ۱۳۸۷: ۲۵۹/۲-۲۵۸). این مدرسه مورد توجه زیاد فرمانروایان ایوبی قرار داشت و ایشان در گسترش و توسعه و آبادی آن هزینه‌های زیادی صرف کردند.

۳.۵. مدرسه سیوفیه: این مدرسه به وسیله صلاح‌الدین ایوبی در ۵۷۲ هـ ساخته و وقف شد و نخستین و مهم‌ترین مدرسه حنفیان است که در قاهره و در محل خانه وزیر

مأمون بطائی (۴۷۸-۵۲۲ ه.ق) ساخته شد (ابن عبدالظاهر، ۱۴۱۷: ۸۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۶۷/۳۸؛ نویری، ۱۴۲۳: ۳۱۶/۲۸؛ مقریزی، ۱۴۱۸: الف، ۲۰۴/۴؛ ابن تغری بردی، بی تا: ۳۱۰/۵ و ۲۹۰؛ العینی، ۱۴۳۱: ۲۶۷/۲). این مدرسه از این جهت سیوفیه نامیده شده است که بازار شمشیرسازان بر در آن قرار داشت. مدرسه سیوفیه در زمان سیوطی (درگذشته به سال ۹۱۱ ه.ق) در طی قرن نهم و دهم باقی و فعال بوده است (سیوطی، ۱۳۸۷: ۲۵۶/۲؛ مقریزی، ۱۳۸۷: ۲۰۶/۳). امیرعبدالرحمن کتخدا در حدود ۱۱۷۳ ه.ق آن را تجدید بنا نمود که تا امروز آباد است و به نام جامع شیخ مطهر معروف است (مبارک، ۱۳۰۶: ۸/۶). غنیمه این مدرسه را نخستین مدرسه وقفی در شهرهای مصر ذکر کرده و تا امروز وقفنامه آن باقی است (غنیمه، ۱۳۷۲: ۱۳۱). مقریزی وقفنامه آن را که به خط صلاح الدین بوده، دیده است و در آن اوقافی برای مدرسه ثبت شده بود. همچنین گزارش هایی از برخی استادان مدرسه ذکر نموده و نخستین مدرس آن را محمد بن محمد جبتی ذکر کرده است (مقریزی، ۱۴۱۸: الف، ۲۰۴/۴؛ مقریزی، ۱۴۱۱: ۱۶/۳ و ۱۵/۵ و ۹۱/۷).

۴.۵. مدرسه مشهد حسینی: صلاح الدین ایوبی در جوار مشهد منسوب به امام حسین^(ع) مدرسه ای را پایه گذاری کرد و موقوفاتی بسیار بر آن مقرر نمود (ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۲۰۷/۷؛ ابن تغری بردی، بی تا: ۵۵/۶). تاریخ ساخت این مدرسه مشخص نیست. مقریزی در اثنای سخن از مشهد حسینی به تدریس علما در این محل اشاره کرده و می نویسد: چون معین الدین حسن بن شیخ الشیوخ به وزارت ملک کامل رسید، اوقاف مدرسه را جمع کرد و ایوان تدریس کنونی و خانه های فقها را بنا نمود (مقریزی، ۱۴۱۸: الف، ۳۲۴/۲). از ویژگی های مدرسین این مدرسه به خوبی مشخص می شود که این مدرسه اختصاص به شافعیان داشته است. صلاح الدین پس از نابودی حکومت فاطمیان، مراکز اجتماع شیعیان را مورد توجه قرار داده و سعی در پراکندن شیعیان و مبارزه با گسترش اندیشه های فاطمیان داشت. یکی از اماکنی که بقایای فاطمیان و شیعیان در آن جمع می شدند، مشهد امام حسین^(ع) بود. با ساخت و توسعه این مدرسه، امکان اجتماع شیعیان در این مکان وجود نداشت.

۵.۵. مدرسه مالکیه (قمحیه): این مدرسه نخستین و مهم ترین مدرسه مالکی مذهببان در مصر است. محل این مدرسه در کنار جامع عتیق و مشهور به دارالغزل بود که پیش از ساخت مدرسه، در این محل نخ می فروختند. سلطان صلاح الدین آن محل را تخریب و در مکانش مدرسه ای برای فقهای مالکی بنا کرد. آغاز ساخت مدرسه، نیمه محرم سال

۵۶۶ هجری است (نویری، ۱۴۲۳: ۳۶۳/۲۸؛ ابن‌دقماق، ۲۰۱۳: ۹۵/۱). او بازار صرافان مصر و دهی در فیوم را وقف مدرسه نمود. همچنین صلاح‌الدین، املاکی در فیوم موسوم به حنبوشیه را وقف مدرسه کرد. این املاک به‌وسیله برُسبای تصرف شده و به‌عنوان اقطاع به مملوکانش داده شد. در زمان مقریزی این مدرسه خراب بوده و اگر زحمات دانشمندان نبود، از بین می‌رفت (مقریزی، ۱۴۱۸: الف ۱۹۹/۲). در این مدرسه چهار استاد از مذاهب اهل سنت مشخص شده که هریک تعدادی دانشجو داشتند و در آن چهار زاویه وجود داشت، در هر زاویه نیز مدرسی به تعلیم دانشجویان اشتغال داشت (ابن‌دقماق، ۲۰۱۳: ۹۵/۱). قلّشندی علت نام‌گذاری این مدرسه به قمحیه را از این جهت دانسته که مقداری گندم برای استادان و دانشجویان مصرف می‌شد (قلّشندی، ۱۴۰۷: ۳۹۰/۳). این مدرسه در قرن نهم به نام قمحیه معروف بوده است (سیوطی، ۱۳۸۷: ۲۵۶/۲؛ مقریزی، ۱۴۱۸: الف ۲۰۱/۴).

۵-۶- مدرسه توران شاه: صلاح‌الدین ایوبی در ۵۷۷ هـ مدرسه‌ای را در محل آرامگاه برادرش توران شاه بنا کرد. این مقبره در اسکندریه بود و صلاح‌الدین این مدرسه را دراثنای دیدارش از این شهر بنا کرد (مقریزی، ۱۴۱۸: ب ۱۸۷/۱). از این مدرسه گزارشی دیگر ثبت نشده است.

۶. نتیجه

سیاست صلاح‌الدین ایوبی در مقابله و برخورد با اندیشه‌های فاطمیان و نظام فکری اسماعیلیان باعث شد تا مذاهب اهل سنت در مصر گسترش یابد. حمایت‌های ایوبیان از اهل سنت موجب شد تا دانشمندان اهل سنت و به‌ویژه شافعیان از خارج مصر به شهرهای مصر، به‌ویژه قاهره و اسکندریه مهاجرت کنند و نوعی تبادل علمی و مذهبی بین مصر و مناطق مختلف به‌ویژه شهرهای شام به‌وجود آید. چنان‌که شهاب طوسی از علمای معروف شافعی به مصر مهاجرت کرد و مدت‌ها در مصر به تدریس اشتغال داشت. تبدیل مصر فاطمی به مصر ایوبی، تغییری از نوع فرهنگی و فکری بود که با حمایت‌ها، تشویق‌ها و سیاست‌های خاص ایوبیان انجام شد و سرانجام ایوبیان توانستند نتیجه دلخواهشان را با به‌کارگرفتن شیوه عملشان به‌دست آورند. آنان از تجربه سلجوقیان و زنگیان در این راه بهره بردند. برخی از دانشمندان همانند طرطوشی و ابوالحسن علی فارقی با الگو قرار دادن مدارس نظامیه، به ساخت مدارس جدیدی در مصر اقدام نمودند. البته این امر با توجه به پیش‌زمینه تسنن مصر و توجه ساکنان شهرهای مهم مصر

به‌ویژه اسکندریه به اهل سنت، به‌وجود آمد. از مهم‌ترین تأثیرات حمایت‌های صلاح‌الدین از اهل سنت، رواج تفکر اشعری و مذهب شافعی در مصر بود و به‌تدریج مصر، به یکی از مهم‌ترین مراکز شافعیان تبدیل و مذهب غالب عموم شهرهای آن شد. نتیجه دیگری که از اقدام صلاح‌الدین در ساخت مدارس به‌وجود آمد، این بود که بسیاری از بزرگان و امیران و فرامانروایان ایوبی از صلاح‌الدین تأثیر پذیرفته و نهضت گسترده مدرسه‌سازی در قلمرو ایوبی به راه افتاد، به‌گونه‌ای که در شهرهای بزرگ مصر تعداد زیادی مدرسه در مدت کوتاهی پایه‌گذاری شد. این تعداد زیاد مدارس باعث شد تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن ایوبیان به اهداف فرهنگی‌شان برسند.

پی‌نوشت

۱. طرطوشه شهری در اندلس متصل به کوره بلنسیه و آن در شرق بلنسیه و قرطبه و نزدیک دریا قرار دارد (حموی، ۱۹۹۵: ۳۰/۴). از بلنسیه به طرطوشه ۱۲ میل و ۴ روز راه است. قصبه طرطوشه بر صخره بزرگی قرار دارد. شهر دارای ۴ دروازه است که از آهن پوشانده شده و در ربض شهر درختان صنوبری است که مناسب کشتی‌سازی است (حمیری، ۱۴۰۸: ۱۲۴).
۲. جُذَه سرزمینی بر ساحل دریای یمن است و بندر مکه می‌باشد (حموی، ۱۹۹۵ م، ج ۲: ۱۱۴).
۳. قوص شهر بزرگ و وسیع و مرکز صعيد مصر می‌باشد و بین آن و فسطاط ۱۲ روز راه فاصله بود. اهالی آن افراد ثروتمندی بودند و این شهر مرکز تجاری بود که از عدن می‌آمدند و بیشتر آن‌ها از این شهر بودند. این شهر به جهت نزدیکی به بلاد جنوبی بسیار گرم است (حموی، ۱۹۹۵: ۴/۴۱۳).

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی بن ابی‌الکرم، *الکامل فی‌التاریخ*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۷.
- ابن‌ایاس، محمد بن احمد، *بدائع الزهور فی وقائع الدهور*، تحقیق محمد مصطفی، القاهرة، داراحیاء الکتب العربیه مطبعه عیسی‌البابی الحلبی، ۱۳۹۵.
- ابن بشکوال، ابوالقاسم خلف بن عبدالملک، *الصله فی تاریخ ائمه الاندلس*، تحقیق السید عزت العطار الحسینی، بیروت، مکتبه الخانجی، ۱۳۷۴.
- ابن‌تغری‌بردی، یوسف بن عبدالله الظاهری، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهرة*، مصر، وزاره الثقافه و الارشاد القومی، بی‌تا.
- ابن جبیر، محمدبن‌احمد، *رحله ابن جبیر*، بیروت، داربیروت للطباعه و النشر، بی‌تا.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد بن محمد، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۴.

- ابن دقماق، ابراهیم بن محمد أیدمر العلائی، *الانتصار لواسطة عقد الامصار فی تاریخ مصر و جغرافیته*، تحقیق احمد حسن محمد عمر، القاهرة، المكتبة الازهریه للتراث، ۲۰۱۳.
- ابن شداد، یوسف بن رافع، *النوادر السلطانیة و المحاسن الیوسفیة او سیره صلاح‌الدین الأیوبی*، تحقیق: جمال‌الدین الشیال، قاهره، مكتبة الخانجی، الطبعة الثانية، ۱۴۱۵.
- ابن شداد، عزالدین ابی عبدالله محمد بن علی، *الأعلاق الخطیره فی ذکر أمراء الشام و الجزیره*، تحقیق دومینیک سوردیل، دمشق، المعهد الفرنسی للدراسات العربیه، ۱۹۵۳.
- ابن عبدالظاهر، محیی‌الدین ابوالفضل عبدالله، *الروضة البهیة الزاهرة فی خطط المعزیه القاهره*، حقه و قدم علیه ایمن فواد سید، القاهرة، مكتبة الدار العربیه للكتاب ۱۴۱۷.
- ابن واصل، جمال‌الدین محمد بن سالم، *مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب*، تحقیق حسین محمد ربیع، تقدیم سعید عبد الفتاح عاشور، القاهرة، مطبعة دارالکتب، ۱۹۷۲.
- ابوشامه، ابوالقاسم شهاب‌الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، *عیون الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه*، تحقیق ابراهیم الزبیک، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۸.
- ابوشامه، ابوالقاسم شهاب‌الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، *الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه*، تحقیق ابراهیم شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲.
- ذهبی، شمس‌الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد، *سیر اعلام النبلاء*، القاهرة، دارالحدیث، ۱۴۲۷.
- ذهبی، شمس‌الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد، *تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام التدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳.
- حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵.
- حمیری، أبو عبدالله محمد بن عبدالله بن عبد المنعم، *صفه جزیره الأندلس منتخبه من کتاب الروض المعطار*، تحقیق، لیلی بروفنصال، بیروت، دار الجیل، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸.
- سبکی، تاج‌الدین عبدالوهاب بن تقی‌الدین، *طبقات الشافعیه الکبری*، تحقیق محمود محمد الطناجی، و عبد الفتاح محمد الحلو، (بی‌جا)، هجر للطباعه و النشر والتوزیع، ۱۴۱۳.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *حسن المحاضر فی ملوک مصر و القاهرة*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۷.
- الضبی، احمد بن یحیی، *بغیه الملتمس فی تاریخ رجال اهل الاندلس*، قاهره، دارالکاتب العربی، ۱۹۶۷.
- عمادالدین کاتب اصبهانی، محمد بن محمد، *البرق الشامی*، تحقیق فالح حسین، عمان، مؤسسه عبدالحمید شومان، ۱۹۸۷.
- العینی، بدرالدین محمود، *عقدالجمان فی تاریخ اهل الزمان*، تحقیق محمود رزق محمود، القاهرة، دارالکتب و الوثائق القومیه، ۱۴۳۱.
- غنیمه، عبدالرحیم، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسائی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- قاضی عیاض، عیاض بن موسی بن عیاض، *الغنیه فهرست شیوخ القاضی عیاض*، تحقیق ماهر زهیر جزار، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۲.
- القرشی، عبدالقادر بن محمد، *الجواهر المضیئه فی طبقات الحنفیه*، کراچی، میر محمد کتب خانه، بی‌تا.

- قلقشندی، احمد بن علی بن احمد الفزاری، *صبح الاعشی فی صناعه الانشاء*، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷.
- کرمانی، افضل الدین ابوحامد، *سلجوقیان و غز در کرمان*، تحریر میرزا محمد ابراهیم خبیصی، مقدمه باستانی پاریزی، بی جا، کومش، ۱۳۷۳.
- مبارک، علی پاشا، *الخطط التوفیقیه الجدیده لمصر القاهره و مدنها و بلادها القدیمه و الشهبیره*، مصر، بولاق، ۱۳۰۶.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، *الف، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، *ب، السلوک لمعرفة دول الملوک*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، *دُرَرُ الْعُقُود فی تراجم الاعیان المفیده*، حقه عدنان درویش و محمد المصری، دمشق، منشورات وزاره الثقافه فی الجمهوریه العربیه السوریه، ۱۹۵۵.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء*، تحقیق جمال الدین الشیال و محمد حلمی محمد احمد، قاهره، المجلس الاعلی لشؤون الاسلامیه، ۱۳۸۷.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، *المقفی الکبیر*، تحقیق محمد الیعلای، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۱.
- منذری، زکی الدین ابومحمد عبدالعظیم بن عبدالقوی، *التکمله لوفیات النقله*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵.
- نعیمی، عبدالقادر بن محمد، *الدارس فی تاریخ المدارس*، تحقیق ابراهیم شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- نویری، احمد بن عبدالوهاب، *نهایه الأرب فی فنون الادب*، قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیه، ۱۴۲۳.
- نیشابوری، ظهیری، *سلجوقنامه*، تصحیح محمد رمضانی، تهران: کلاله خاور، ۱۳۳۲.